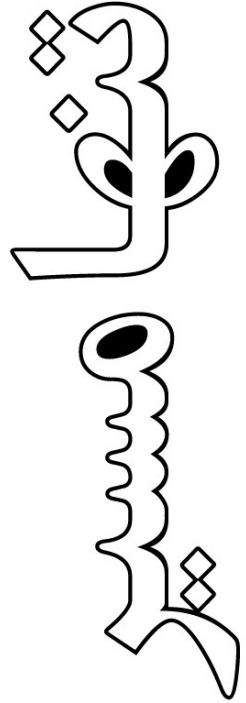
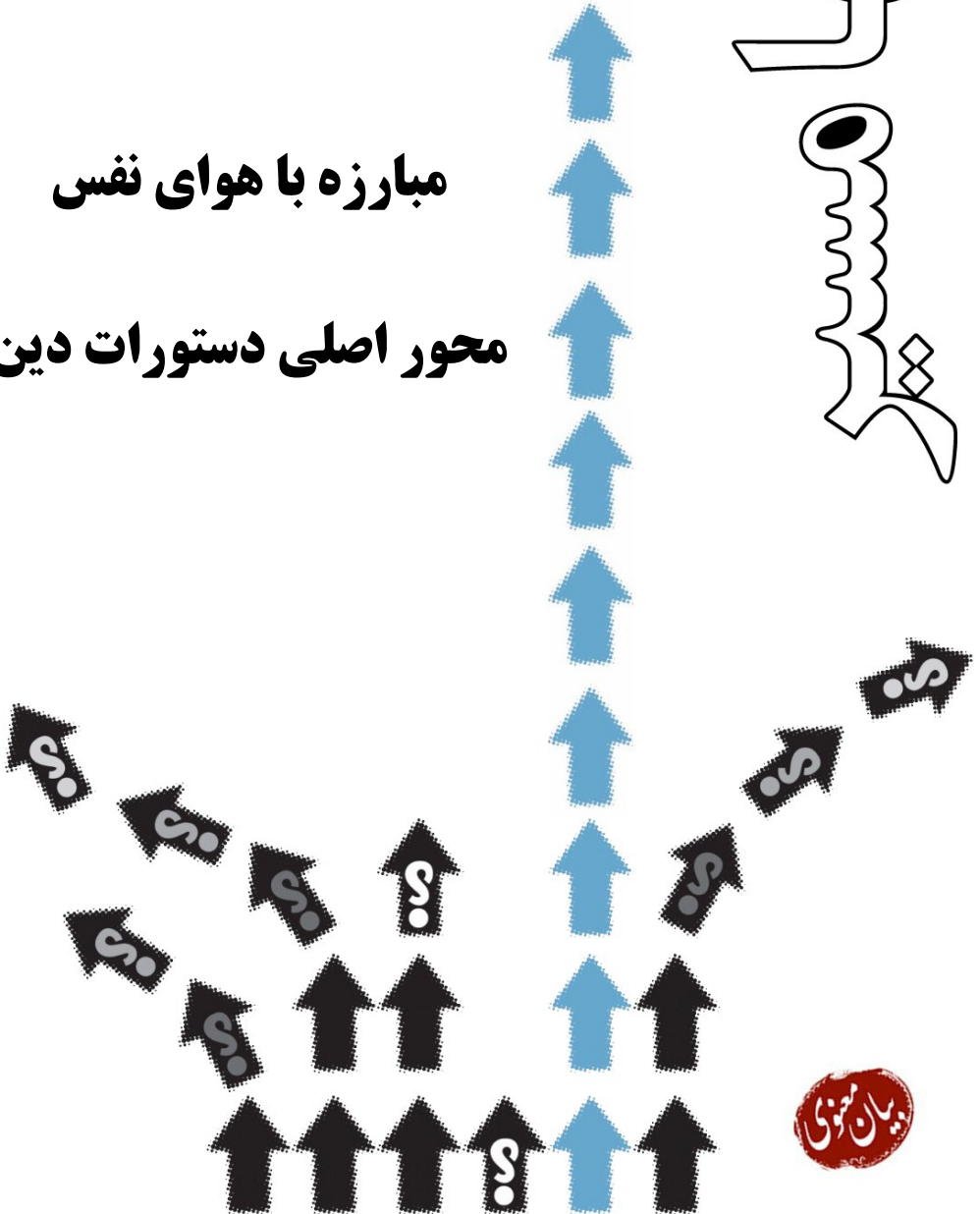


راهبرد اصلی در  
نظام تربیت دینی



مبارزه با هوای نفس

محور اصلی دستورات دین



## اشاره

سلسله جلسات حجت الاسلام و المسلمین  
پنجاهین در شبهای ماه مبارک رمضان ۹۲  
با موضوع "تنها مسیر" (راهبرد اصلی در  
نظام تربیت دینی)

در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در  
چهارمین جلسه را می‌خوانید:

### عموماً نگاه مردم به "خوب بودن، هدف خلقت و مسیر بندگی" نگاه درستی نیست.

موضوعاتی که معمولاً در جلسات و محافل معنوی مورد توجه و اهتمام قرار  
می‌گیرند؛ یا جزء موضوعاتی هستند که مورد غفلت هستند و نیاز به تذکر، یادآوری  
و موعظه دارند و یا موضوعاتی هستند که مخاطبین قبلاً از آن موضوعات آگاهی  
نداشته‌اند که در این صورت این جلسات، نوعی اطلاع‌رسانی محسوب می‌شود. البته  
این صورت دوم بسیار کم پیش می‌آید.

موضوع مورد توجه این جلسه، نه از جنس موعظه و تذکر است و نه  
اطلاع‌رسانی محسوب می‌شود بلکه از جنس تغییر نگرش و اصلاح فضای ذهنی  
است. تغییر نگرش و اصلاح فضای ذهنی، البته کار ساده‌ای نیست و غیر از  
اطلاع‌رسانی و موعظه است. یکی از آسیب‌هایی که جامعه خوب و در حال رشد ما  
امروزه با آن مواجه است، این است که نگاه اکثر مردم به زندگی و فلسفه زندگی  
درست نیست. نگاهشان به خوب بودن و هدف متعالی حیات انسان، درست نیست.  
نگاه عمومی نسبت به مسأله تربیت، مسیر عبودیت و سیر و سلوک الی الله، نگاه



درستی نیست. لاقلاً می توان گفت بسیاری از نگاه‌ها در این موارد، دقیق نیستند.

## بسیاری از اطلاعات پراکنده ما از معارف دین، درست است ولی در ترکیب نهایی، برداشت درستی از آن‌ها نداریم.

وقتی شما در تاریکی مطلق به اجزاء مختلف بدن یک فیل دست می کشید، طبیعتاً با یک نگاه جزء‌نگرانه حدس‌هایی در مورد آنچه لمس کرده‌اید، می زنید. وقتی به شکم فیل دست می زنید، آن را سقفی محکم می‌پندارید. وقتی پاهای آن را لمس می کنید، فکر می کنید به ستون‌هایی محکم دست زده‌اید. وقتی به پشت فیل دست می زنید، تصور می کنید دیواری بلند است. اگر فضا روشن شود و شما هم از کمی دورتر فیل را ببینید، نگاه شما تغییر خواهد کرد و نگاهی درست از تمام فیل پیدا می کنید؛ نگاهی که دیگر جزئی نیست و در تاریکی هم نبوده است.

۲

بسیاری از اطلاعات پراکنده ما از معارف دینی، صحیح است، ولی در ترکیب نهایی برداشت درستی از آن‌ها نداریم. مثلاً نمی‌دانیم ارتباط میان این همه آیات و روایات، با یکدیگر چگونه است؟ از کجا و از کدام دستور باید شروع کرد؟ آیا می توان عموم معارف دینی را در یک نخ اصلی مانند تسبیح قرار داد و سرنوشت همه را تعیین کرد؟ چگونه می توان نگاه درستی به مجموعه معارف دینی و پیوند بین آن‌ها، پیدا کرد؟ مهمترین فایده چنین تغییر نگاهی این است که تکلیف خودمان را تشخیص می‌دهیم.

ما در زندگی یک تکلیف بیشتر نداریم و فقط باید مراقب یک چیز باشیم نه صدها چیز

کسی که نگاه درستی به مجموعه معارف دینی پیدا می کند، تکلیف خودش را





تشخیص می‌دهد و می‌فهمد که ما در زندگی یک تکلیف بیشتر نداریم و فقط باید یک چیز را مراقبت کنیم، نه اینکه مراقب صدها بدی و صدها خوبی باشیم. باید دید آن یک تکلیفی که در همه دستورات خوب هست، کدام است؟ خداوند در قرآن کریم یکی از کارهای پیامبر(ص) را آموزش حکمت به بندگان خدا ذکر کرده و می‌فرماید: **”وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ“** (سوره آل عمران/۱۶۴) در مورد کتاب و حکمت شاید بت کتاب(قرآن) از بیرون می‌آید و از طریق وحی می‌رسد، ولی حکمت یک جوشش درونی است. اگر کسی حکیم شود، درک درستی از کل دین پیدا کرده است و چنانچه روایتی را هم نشنیده باشد؛ وقتی آن روایت را می‌شنود، تصدیق و تأییدش می‌کند که باید همین‌طور باشد که روایت می‌گوید و من هم چنین نگاهی داشته‌ام. حکیم کل این حقیقت را شهود کرده است. اگر کسی دین را این‌گونه دیده باشد، می‌تواند تصویر درستی از دین پیدا کند و آن را به دیگران هم منتقل کند.

## **مبارزه با هوای نفس، محور اصلی همه تکالیف و دستورات دین است و دین، برنامه مبارزه با هوای نفس است.**

انسان طوری آفریده شده است که می‌تواند خودش را تغییر و تکامل دهد و ارزش افزوده تولید کند. بهتر شدن و ایجاد ارزش افزوده به این نیست که یک آگاهی جدید پیدا کنیم، یا عمل بیشتری انجام دهیم. خوب شدن یا بهتر شدن به این است که به چیزهایی علاقه داشته باشیم و در نبرد بین این علاقه‌ها، از یک علاقه سطحی بگذریم و به علاقه‌ای عمیق‌تر برسیم. خوبی را در جریان یک تغییر باید به دست آورد.

انسان به این دنیا آمده است تا چیزهایی را دوست باشد ولی به برخی از آنها



دست نزنند و برخی از چیزهایی را که دوست دارد، نداشته باشد. در این مسیر، “علم” خدمتگذار این مبارزه است و “عمل” انسان هم وقتی ارزش دارد که در نتیجه این مبارزه باشد و دین هم برنامه مبارزه با هوای نفس است؛ یعنی برنامه مبارزه با برخی از علاقه‌هاست. مبارزه با هوای نفس، محور اصلی تعریف هویت انسان و فلسفه خلقت انسان است و سایر نگاه‌ها به فلسفه حیات و زندگی انسان را باید اصلاح کرد. در واقع مبارزه با هوای نفس محور همه تکالیف و دستورات دین است.

**باید فرزندان خود را طوری تربیت کنیم که پذیرای دردها و رنج‌ها باشند. هر چهل روز، یک رنج و بلایی به مؤمن می‌رسد.**

خداوند صراحتاً می‌فرماید: “ما انسان را در رنج و سختی آفریده‌ایم؛ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ” (سوره بلد/۴) معنای رنج چیست؟ رنج یعنی اتفاقی که مطابق دوست داشتنی‌های انسان نیست. لذا این آیه می‌خواهد به ما بگوید در این دنیا اتفاق‌هایی می‌افتد که مطابق میل شما نیست. این نگاه در تربیت فرزند هم نقش دارد.

اگر کسی چنین نگاهی به حیات داشته باشد وقتی فرزندش را تربیت می‌کند، در واقع او را پذیرای رنج می‌کند و برای مرد شدن در عرصه دردها و رنج‌ها آماده‌اش می‌کند. در احادیث هم ذکر شده است که هر چهل روز یک‌بار بلایی به مؤمن می‌رسد. امام صادق (ع) می‌فرماید: چهل شب بر مؤمن نمی‌گذرد، جز آنکه

برایش مشکلی پیش می‌آید که او را محزون می‌کند و متذکورش می‌سازد. “الْمُؤْمِنُ لَا يَمْضِي عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ لَيْلَةً إِلَّا عَرَضَ لَهُ أَمْرٌ يَحْزَنُهُ وَيَذْكُرُ بِهِ” (کافی/۲/۲۵۴)

حضرت در جای دیگری می‌فرماید: هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه هر چهل روز که می‌گذرد، بلائی به او می‌رسد که این بلا یا به مال، یا به فرزندش یا به خودش می‌رسد و خدا در ازای تحمل آن بلا، به او اجر می‌دهد، و یا اینکه (اگر بلایی به او



نرسد) غم و غصه‌ای که نمی‌داند از کجاست نصیبش می‌شود. "مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَهُوَ يُذَكَّرُ فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا يُصِيبُهُ بِلَاءٌ إِمَّا فِي مَالِهِ أَوْ فِي وَكَلَدِهِ أَوْ فِي نَفْسِهِ فَيُؤَجِّرُ عَلَيْهِ أَوْ هَمًّا لَا يَدْرِي مِنْ أَيْنَ هُوَ" (جامع الاخبار/ص ۱۱۴) لذا این نگاه که تمام تلاش ما را برای بر طرف کردن درد و رنج معطوف ساخته است، نگاه اشتباهی است.

## انتخاب نوع رنج؛ تنها راه پیش پای انسان/رنج‌های خوب عامل شکوفایی ما می‌شود

در مقابل رنج‌هایی که در دنیا وجود دارد، فقط یک کار می‌توانیم انجام دهیم و آن هم اینکه نوع رنج را خودمان انتخاب کنیم و با این انتخاب، رنج را بپذیریم و از آن استقبال کنیم. از رنج نمی‌توان فرار کرد، پس چه خوب است که خودمان به استقبال رنج و سختی‌ها برویم و با انجام تکالیف و طاعت‌ها این سختی را به جان بخریم. اگر خوب رنج ببریم و رنج‌های خوب را انتخاب کنیم، عامل شکوفایی ما می‌شود.

در مقابل رنج‌هایی که در دنیا هست، فقط یک کار می‌توانیم انجام دهیم و آن هم اینکه نوع رنج را خودمان انتخاب کنیم و با این انتخاب، رنج را بپذیریم و از آن استقبال کنیم. ما از حکومت خدا نمی‌توانیم فرار کنیم و یکی از وجوه حکومت خدا، سنت‌های خداست و یکی از سنت‌های خدا، همین رنج است. ما در رنج خواهیم بود و در آن باقی می‌مانیم ولی می‌توانیم تلاش کنیم تا بهترین رنج‌ها را ببریم.

به عنوان مثالی از رنج بد، اگر شما حسادت کنی در واقع رنج حسادت را پذیرفته‌ای، که این رنج انسان را مریض می‌کند. یا اگر انسان حسرت آنچه را که از دست داده بخورد، رنجی را انتخاب کرده که منشأش چیزی شبیه کفر است.



چند رنج خوب را هم می توان معرفی کرد: شما محبت کرده ای و قدر تو را ندانسته اند و از این قدرشناسی رنج می کشی. یا کار خوبی انجام داده ای، ولی افتخار آن به نام دیگران ثبت شده است.

انسان می تواند انتخاب کند که از حسادت کردن رنج ببرد یا از اینکه دیگران کار خوب شما را به نام خودشان ثبت کرده اند، رنج ببرد. کدام رنج را انتخاب می کنید؟ رنج دوم بهتر است، چون امکان اگر کسی آدم باشد و اهل انسانیت باشد، امکان ندارد حقش را نخورند. اگر کسی اینقدر مراقب باشد که هیچ وقت کسی حقش را نخورد و همیشه انرژی خودش را برای دفاع از خود و تأمین منافع خودش صرف کند، او اصلاً آدم نیست. به محض اینکه آدم خوبی بشوی، کسانی سر راحت قرار می گیرند که حق تو را می خورند. حتی آن زمانی که امام زمان (عج) در اوج اقتدار خواهند بود و غربت ائمه دیگر را ندارند، از شدت اذیتی که می شوند، جگرشان خون می شود؛ آدم خوب هیچ گاه از رنج مظلومیت فارغ نمی شود.

کدام رنج بهتر است؟ رنج حسرت خوردن برای از دست دادن دنیا؟ یا رنج شرمندگی پیش خدا؟ دومی بهتر است. چون کسی که حسرت از دست دادن دنیا را در دل دارد، هیچ وقت نمی تواند بابت رنج از دست دادن فرصت های با خدا بودن گریه کند.

از رنج نمی توان فرار کرد. اما اگر خوب رنج ببریم و رنج های خوب را انتخاب کنیم، این رنج عامل شکوفایی ما می شود. اولیاء خدا مراقبت می کرده اند که حتی یک لحظه هم رنج بد به قلبشان وارد نشود و حتی یک لحظه هم از رنج خوب خالی نباشند. امام حسین (ع) هم روز عاشورا هر قدر رنج هایش بیشتر می شد، صورت مبارکش بیشتر گل می انداخت و نورانی تر می شد...

برای دریافت کلیپ های صوتی این جلسه و همچنین صوت کامل جلسات و مطالب

مرتبط به این آدرس مراجعه نمایید: [Bayanmanavi.ir](http://Bayanmanavi.ir)





## عناوین جلسات آینده :

- حتی آدم‌های هوسران هم نمی‌توانند از مبارزه با نفس فرار کنند!
- اگر در جایی که لازم است، مبارزه با نفس نکنیم، مجبور می‌شویم در جایی که اجری ندارد مبارزه با نفس کنیم.
- فراگیری ”رنج“، کمک خدا برای مبارزه با نفس.
- یکی از علائم خودخواهی و هواپرستی این است که اگر زندگی سخت شد، از روی لج بازی، زندگی را سخت‌تر کنی.
- پذیرش رنج‌های دنیا، به معنای عدم برنامه‌ریزی نیست.



وارثین؛ مرکز تولید و توزیع محصولات جبهه ی فرهنگی انقلاب اسلامی؛

دزفول، خیابان امام خمینی شمالی، کوچه ی شهدا، روبروی مسجد لب خندق،

تلفن: ۰۹۱۶۸۲۳۰۹۷۴

